

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۲ تیر ۱۳۶۳ برابر ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۵

چهار سال بعد از کشف کودتای نوزه

روند مسخ انقلاب: تحقیق اهداف کودتاگران

۱۸ تیرماه - چهارمین سالروز کشف کودتای آمریکایی نوزه بود. این توطئه در حالی پی ریخته شد که نیروهای انقلابی مدام نسبت به خطر عظیمی که انقلاب را، حفظ نظام ضد مردمی ارتش و پابرجا ماندن بسیاری از افسران عالی رتبه و فاداریه رژیم شاه معدوم در این ارگان، تهدید می کرد، هشدار داد میزدند. توطئه نوزه با هو شیاری پرسنل انقلابی ارتش، کشف و خنثی شد. اما به دنبال غلبه خط ارتجاعی بر حاکمیت، بسیاری از این نظامیان مبارز و فاداریه خلق و انقلاب، که بارها و بارها سدره توطئه های گوناگون ضد انقلاب شده بودند، خود قربانی يك توطئه ضد انقلابی گشتند. رژیم آنان را تحت پیگرد قرار داد، در شکنجه گاه ها بصلابه کشید و یا به جوخه اعدام سپرد. سازمان ما و حزب توده ایران، به یاری پرسنل انقلابی ارتش، با کشف کودتای نوزه، جلوه دیگری از سلامت اصولی این دو گردان رزمده طبقاتی را، مبتنی بر دفاع پیگیر از انقلاب را در معرض دید همگان، قرار دادند. سازمان ما پیش از ۴۰ روز قبل از اعلام کشف توطئه، بطور مشخص نسبت به بروز يك دسیسه آمریکایی گسترده، به خلق انقلابی ایران، هشدار داده بود (کاو شماره ۶۱ - ۱۴ خرداد ۱۳۵۹). توطئه گران بعد از دستگیری اعلام کردند که خط براندازی را "با این هدف شروع کردیم که فعالیت های علیه کمونیستها، انجام بدهیم." (اعترافات نادر وحدتی پور، یکی از رهبران کودتا - انقلاب اسلامی ۲۶ تیر ۵۹). دقیقاً ۲ سال بعد گروه دیگری از بقیه در صفحه ۲.

"کار" و "نامه مردم"
در جشن تابستانی
حزب کمونیست آلمان

در صفحه ۵

پیام تبریک

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا

به رفیق الساندر و ناتا

رفیق ارجمند!

با شنودی فراوان از گزینش شما به سمت دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا مطلع شدیم. صمیمانه ترین تبریکات ما را به مناسبت این انتخاب بپذیرید. بهترین آرزوهای ما اینست که حزب

کمونیست ایتالیا، تحت رهبری شما، به پیروزی های با زهم بیشتری در راستای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیو نالیسم پرو لتری دست یابد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دبیر اول - فرخ نگهدار
۳۰ ژوئن ۱۹۸۴

در حاشیه سخنان شیخ محمد یزدی در مجلس

يك پرسش از سر عجز و يك پاسخ صریح

"شرمگین" اش تشریح کرد. وی در مدخل بحث خود درباره این موضوع گفت: "در دوره گذشته به نقطه ای رسیدیم بودیم که حتی یکی از نمایندگان در مجلس صراحتاً اعلام کرد که بالاخره کدام يك از دو طرز فکر مملکت باید حاکم شود؟" (اطلاعات ۴ تیر) یزدی در نطق خود به این سؤال پاسخ داد. بقیه در صفحه ۳

در جلسه سوم تیرماه "مجلس شورای اسلامی" شیخ محمد یزدی دبیر "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" - که گردانندگان صحنه سازی "انتخابات" دوره دوم بهررحمتی بود، نام او را از صندوق بیرون کشیدند و بعد هم با سلام و صلوات وی را به کرسی نیابت رئیس مجلس نشان دادند. به پشت تریبون رفت و برنامه کار مجلس دوم را صریح تر از همه دوستان

گزارشی از اوین، ۲

آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی در

بحران مسکن و تعاونی های مسکن کارگری

توانستم در خیابان نظام آباد خانه ای د و خوابه اجازه کنم. از بابت آن دویست هزار تومان پیش پرداختم و ماهی پنج هزار تومان هم کرایه می دهیم. درینا امنیت جمهوری اسلامی دزدان متواری به میهن ما بازمی گردند و اموال و املاک و زمینهای مصادره شده را پس می گیرند. طبق بقیه در صفحه ۴

تهیه سربانه برای مردم میهن ما هر روز مشکل تر از پیش می شود. در همه شهرهای ایران و بویژه تهران بخش مهمی از درآمد مردم صرف پرداخت اجاره بهایی شود. نرخ اجاره منازل همچنان بنحوسرسام آوری روبه افزایش است. بعنوان نمونه در یکی از نامه های که برای ما فرستاده شده است چنین می خوانیم: "پس از ماههاد و ندگی بالاخره

افاضات وزیر کار در کنفرانس بین المللی کار

و رسوایی بیشتر حکومت کارگرسنیز

در صفحه ۹

کلارازتکین مبارز خستگی ناپذیر راه آرمان زحمتکشان و رهایی زنان

در صفحه ۵

نبرد خونین کارگران نفت در ۲۳ تیر ۱۳۲۵

در صفحه ۲

گشت "سیندرلا": نسخه ای برابر با اصل

در صفحه ۳

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

بقیه از صفحه اول

روند مسخ انقلاب : تحقیق اهداف کودتاگران

توطئه گران سلطنت طلب در جریان محاکمه خود د
اعتراف کردند که " آنچه باعث ناراحتی مای شد ،
راحت گردیدن توده ایها در جامعه بود ."
(کیهان - ۱۰ تیر ۶۱) طبق برنامه آنها
" چند ساعت قبل از اجرای کودتا ،
می با یست اعضای حزب توده ، دستگیر شوند ،
تا فرصت مناسب از آنها گرفته شود و نتوانند
دست به کاری علیه کودتاگران بزنند ."
(همانجا)
باغلیه کامل دیدگاههای ارتجاعی بر
حاکمیت ، خود رژیم این خواست آمریکا و ایادی
سلطنت طلب آن را برآورده ساخت . به دنبال
یورش به حزب توده ایران و دستگیری پرسنل
نظامی عضو این حزب ، بسیاری از آنها بدان
جهت مورد بیشترین شکنجه و آزار قرار گرفتند که
در زمینه کشف توطئه هایی نظیر نوژه و در جهت
گسترش و تعمیق تأثیرات انقلاب در ارتش ، تلاش
ورزیده بودند . بر مبنای گزارش موفقی که مسا
آن را بعنوان " اینچایند ۲۸۰ است ۰۰۰ "
در شماره ۱۱ نشریه خود منعکس کردیم " یکی
از جرایم " نظامیان توده ای ، کشف کودتای
نوژه بود . هر کسی را که به نوعی در کشف ایسن
کودتا دخالت داشت - چه حزبی و چه -
غیر حزبی - دستگیر کرده و تحت عنوان عضو یست
در سازمان مخفی نظامی ، به صلابه کشیدند ."
دستگیری ، شکنجه و محاکمه این پرسنل متعهد
به انقلاب جزئی از روند عمومی سرکوب انقلابیون
و به محاکمه کشیدن انقلاب بود .

حاکمیت تنها از طریق حمله به گردانهای
رزمده که نیست در ایران و پیگرد و کشتار همه
نیروهای مترقی و مردمی و در مجموع پایمال کردن
اغلب دستاوردهای انقلاب ، آمریکا و ایادی
توطئه گران را خواشال ساخته است . رژیم در
موارد مختلفی ، مستقیماً دست دشمنان خود را بر انقلاب
رافشده و مواضع از دست رفته آنان را ، احیا
کرده است . به عنوان نمونه اگر صرفاً توجه خود
را معطوف به توطئه گران درون ارتش سازیم ،
می توانیم نمونه های فراوانی ارایه دهیم که
چگونه رژیم بر مبنای سیاست ارتجاعی خود مبنی
بر تداوم جنگ خانمان برانداز فعلی و بر استمرار
این سیاست ، تقویت هرچه بیشتر ماشین جنگی ،
بسیاری از افسران سلطنت طلب پاکسازی شده و
توطئه گران شناخته شده را به سرکارهای خود
باز گردانده و به آنها ، مسئولیتهای مهمی سپرده
است . از همان آغاز جنگ ، مشخص بود که
مرتجعین خواهند کوشید تأثیرات انقلاب را از
درون ارتش بزدایند و به وسوسه ضد انقلابیون
تسلیم شوند . اطلاعاتی های شماره ۶ و ۸ و ۸۰ ستاد
ارتش در بهرماه سال ۵۹ و در همان هنگام اقدامات
ری شهری جنایتکار برای آزاد کردن مشتکی از
افسران عالی رتبه رژیم شاه از زندان ، در همین
راستا بود .

نبرد خونین کارگران نفت در ۲۳ تیر ۱۳۲۵

نفت انگلیس در عمل به تعهدات خود پایبند
نبوده و مفاد موافقت نامه را اجرا نکرد .
چون سیاسی در منطقه خوزستان در آن دوره ،
طوری بود که ارتجاعی حاکمیت مستحکم داشت و
انگلیسی ها و عمال آنها حاضر نبودند حتی
یک گام از مواضع استعماری خود عقب تر نشینند .
مصباح فاطمی ، استاندار وقت ، که دست نشاند
آنها و دشمن کارگران بود ، با کمک شیوخ مرتجع
محلی و چاقو داران آن دوره ، یک اتحادیه
ساختگی کارگری سرهم بندی کرده بود . آنها به
انواع تحریکات دست می زدند . شورای متحده
مرکزی ، که چند سالی بود در سراسر ایران فعالیت
گسترده و علنی داشت ، مجبور بود در منطقه
خوزستان غیر علنی فعالیت کند . در چنین
جوی ، در شرایطی که در تهران قانون کار
تصویب شده بود ، شرکت نفت کماکان از اجرای
آن و توافق نامه قبلی سر باز می زد . اعتصاب
سراسری کارگران نفت در ۲۳ تیرماه در تمام مناطق
نفت خیز خوزستان آغاز شد . د و هزار کارگر
نظم شهر با دادن ربه عهده گرفتند . آنها عزل
مصباح فاطمی استاندار و ر ، انحلال دستگاه
سیاسی کمپانی نفت و اجابت مطالبات حقوقیه
اقتصادی خود را خواستار بودند . کمپانی
غارتگر نفت که قبلاً " اتحادیه عشایر " و
" غرب سعادت " را بوجود آورده بود ، به این
د و سازمان سرکوب دستور مله داد . همرا
با این د و سازمان ، پلیس و ژاندارمری هم به
کارگران یورش بردند . ۴۷ کارگر رزمده نفت در
این حوادث شهید و ۱۷۰ نفر مجروح شدند ،
اما مبارزه ادامه یافت و کارگران در برتوان به
بخشی از مطالبات اساسی خود دست یافتند .
پیروزیهای بدست آمده در این اعتصاب ، نتیجه
مبارزه ، مقاومت و همبستگی انقلابیون بود . سازمان
دهنده و رهبر این اعتصاب " شورای متحده
مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران " بود .

ارکان حیات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جامعه
ماراد بر گرفته است . پیگرد و کشتار نیروهای
انقلابی ، تشدید جو فشار و اختناق ، سرکوب
زحمتکشان ، حفظ و احیای مواضع کلان سرمایه
داران و بزرگ مالکان و هزار گونه زد و بند
امپریالیسم و انحصارات بین المللی از جانب هیات
حاکمه ای که و قیحه مدعی است سگان انقلاب
را در دست دارد ، از جمله مظاهر اصلی روند
مسخ انقلابند . و هر توطئه های آمریکایی
کودتایی نیز چیزی جز تسلط حاکمیت زور و سرمایه
بر جامعه ، نبوده و نیستند . لذا با قاطعیت
می توان گفت روند مسخ انقلاب ، در همان
جهاتی عمل می کند و معطوف به جوهر همان
هدفهایی است که روند براندازی انقلاب ، با
توسل به توطئه هایی همچون طبن و نوژه ،
در پیش رو قرار داده بود .

۲۳ تیرماه ، یکی از درخشان ترین فصول
تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ماست
د و روز خونین ۲۳ تیر سالهای ۱۳۲۵ -
۱۳۲۸ - در تاریخ معاصر کشورمان ، جلوه ایست
غرور انگیز از اراده استوار طبقه کارگر قهرمان ایران
برای کندن ریشه های امپریالیسم . شهسادت
د همبا کارگرد لیر نفت در جریان اعتصاب خود
۸۰ هزار نفری ۲۳ تیر ۱۳۲۵ ، و صد هـ
توده ای در مظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۲۱ ، نشان داد
که طبقه کارگر ایران ، به ثابته هوشیارترین
سرسخت ترین و فداکارترین مبارز ضد امپریالیسم
و نواستعمار ، هسته مرکزی نیروهای محرک جنبش
انقلابی مردم ایران را تشکیل می دهد .
اعتصاب خونین کارگران نفت در ۲۳ تیر
۱۳۲۵ ، در شرایطی انجام گرفت که شرکت نفت
انگلیس ، در نتیجه سرسپردگی رژیم پهلوی ،
خود د و ولت بزرگی در درون د و ولت ایران بوجود
آورده بود و منابع نفت را افسار گسیخته غارت
می کرد و هزاران کارگر را در شرایط استعماری و ،
وحشیانه به کار می گرفت . به موازات سلطه
وحشیانه استعمار انگلیس ، مبارزات طبقه کارگر
ایران بر ضد امپریالیسم جریان داشت . در آن
دوره ، طبقه کارگر ایران با تکل " در شورای
متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران " ، هر
روز ضربه مستم تری بر فارتگران نفت می زد .
اعتصاب ۲۳ تیر ، ادامه اعتصاب موقیعت
امیز کارگران نفت آغا جاری در اردیبهشت ماه
۱۳۲۵ بود . کارگران نفت آغا جاری در آن تاریخ
بمنظور دستیابی به مطالبات عادلانه اقتصادی
خود ، دست به اعتصاب زدند . اعتصاب کارگران
و یا فشاری نمایندگان آنها ، موجب پیروزی
اعتصاب شد . حداقل دستمزد و اشل بالاتر
حقوقی تعیین شد . تعطیل هفتگی روز جمعه
با استفاده از حقوق به رسمیت شناخته شد و
بالاخره اعتصاب با قبولان د و خواسته های
کارگران با موقیعت به پایان رسید . اما شرکت

اکنون وضع به گونه ای درآمده است که
در هفته گذشته ، نشریه المستقبل ، چاپ فرانسه ،
می نویسد رژیم ایران هیات نام الاختیاری
را به خارج از کشور فرستاده است که هدف آن
جذب نظامیان فراری و فادار به رژیم پیشین
است . این هیات اختیار نام دارد به نظامیان
مذکور تضمینات کافی برای بازگشت به کشور و
قول تامین همه گونه امکانات رفاهی را بدهد .
این حقیقت که اکنون بسیاری از خواسته های
کودتاچیان نوژه و جریانات مشابه آن ، برآورده
شده و افشاکندگان توطئه های آنها -
شکند گاههای رژیم ، گرفتار گشته اند ، یکی دیگر
از نمود های روند تلخی است که مسئول اصلی
آن گردانندگان درجه اول حاکمیت اند . ماهیت
این روند ، مسخ انقلاب و ضربه از درون است .
مسخ انقلاب ، پروسه جامعی است که همه

گشت "سیندرلا": نسخه‌ای برابر با اصل

یکی از اقدامات و برانگیز حکام چ. ا. در عرصه امنیت اجتماعی و قضایی، پدیده گشت‌های خیابانی است. گشت‌های خیابانی که عمدتاً از تیم‌های او باش و لومین متشکل هستند، علاوه بر اجرای وظایف اصلی خود، یعنی شکار و نابودی جسمی انقلابیون، نقش موثری در اشاعه فساد اجتماعی دارند. بطوریکه تاکنون بارها فجیع‌ترین جرایم و جنایات را بی هیچ پروایی نه تنها در خصوص انقلابیون و میهن پرستان، بلکه در مورد مردم عادی نیز انجام داده‌اند. به موازات گسترش ابعاد ترور و اختناق، گشت‌های خیابانی به مثابه ستون فقرات حاکمیت قرون وسطایی چ. ا. روز بروز دامنه فعالیت خود را گسترش می‌دهند. آخرین نمونه آن، برافزاندن گشت "اعرضه و فو نهی از منکر" در خیابان‌های تهران می‌باشد، که بمنظور تحمیل عقوبت‌مانده ترین فرهنگ و اندیشه قشری به جامعه فعالیت خود را آغاز کرده است.

امنیت اجتماعی و قضایی مردم، نه تنها از جانب گشت‌های رسمی سرک و بگریه خشن‌ترین شیوه‌ها پایمال می‌گردد، بلکه در این بلبشوی خودسری و بی قانونی، گشت‌هایی نظیر - "سیندرلا"، نیز، اعمال جنایتکارانه گشت‌های بانام و نشان را تکمیل می‌کنند. در کیهان ۲۷ تیر می‌خوانیم: "آنان با استفاده از عنوان جعلی مامورین نهادهای انقلابی مرتکب این خلاف‌ها شده و... گشت‌خیابانی تشکیل داده و نام گشت را سیندرلا گذاشته بودند." گشت سیندرلا "که به مدت ۲ سال، با حمل اسلحه و بی سیم، اعمال و رفتار گشت‌های سرک و بگریه را، با مهارت قابل توجهی تقلید کرده است، اخیراً برحسب تفادف، و به "کعک تیر چراغ برق" لو رفته است." با فرض اینکه گشت "سیندرلا" واقعاً "قلابی" بوده است، اقدامات و شیوه برخورد اعضای این گشت با کسانی که مورد سرقت، اخاذی، تجاوز و قتل قرار گرفته‌اند، آشکارا نشان می‌دهد که اعضای آن، لااقل مدت‌ها در جریان اقدامات و تجاوزات گشت‌های "غیرقلابی" بوده‌اند. مثلاً مورد قتل شخصی بنام بهروز نیکخواه و نحوه اجرای این جنایت، دقیقاً همان شیوه مرسوم است که صدها بار از جانب گشت‌های "غیرقلابی" بکار بسته شده است. روزنامه کیهان ۷ تیر، جریان قتل این شخص را چنین می‌نویسد: "وی را در تاریخ ۶۲/۲/۳ به‌عنوان یک اتهام بی‌مورد دستگیر می‌کنند، در جریان ربودن نیکخواه چشم‌ها و دست‌های او را بسته و سپس تحویل اتومبیلی که رانندگی انرا علیرضا (سر دسته باند) به عهد داشته می‌دهند. سپس او را پشت‌چاه‌های قنات واقع در جاده ساوه برده و پس از خفه کردن به داخل چاه می‌اندازند."

جریان این قتل بعد از کشف تصادفی

در حاشیه سخنان شیخ محمد یزدی در مجلس یک پرسش از سر عجز و یک پاسخ صریح

می‌گویند، "حق ندارد سرمایه دار مرکز تولید داشته باشد ۰۰۰" نایب رئیس مجلس براساسی نمی‌تواند ادعا کند قدرت حاکمه در "بستن دهان‌ها" و "شکستن قلم‌ها" بی‌که با نظر سر ایشان موافق نیستند به "وظایف خود" عمل نکرده است!

نماینده پیشین، در نطق خود دایره‌دار داشته بود: "دیروز به دادگستری رفته بودم آن بیچاره‌ای که آنجا کار می‌کرد، می‌گفت: "آقا با حقوق سه هزار و هفتصد تومان چگونه زندگی کنم؟" و حق داشت، می‌گفت: "بچه من گرسنه است، آقا!" شیخ محمد یزدی در پاسخ به این سخن، و در حقیقت در پاسخ به هزاران نفری که می‌گویند "بچه من گرسنه است، آقا!" بایستی تفاوتی گفت: "راجع به کارمندان که در پیام امام هم به آن اشاره شده، من نمی‌دانم راه حل مسأله چیست." و بلافاصله افزود: "نتیجه چیزی که می‌داند این است: اضافه کردن حقوق راه حل درستی نیست."

"آخرین دفاع" نماینده مجلس دوره اول، چنین نتیجه‌گیری کرده بود که "بعد از پنج سال ما مانده‌ایم. حالا دست می‌زنیم، به (برای؟) همه کسانی که آن قدرت و شهادت را دارند که بیایند و به این مردم بگویند که چه باید بکنیم؟ آقای یزدی برای اینکه هم حامیان بازارش، هم همفکران حوزه ایش و هم درماندگانی نظیر آن نماینده مجلس برایش "دست بزنند"، "قدرت و شهادت" نشان داد و با ارائه برنامه کاری که جناح او که جناح مسلط است برای مجلس در نظر گرفته، از موضع قدرت خواهان تصویب آن در مجلس و اجرای آن توسط دولت شد. و بی‌برای اینکه اطمینان دهد افراد "لایق و کاردان" را نیز برای اجرای این برنامه گندیده کرده و در نظر گرفته، به دولت تکم کرده که درهای کابینه را باز کند و "قبول کند که در این مملکت لیاقت و کفایت فراوان است و بی‌زیرکده افراد لایق فراوانند و این دایره را قدری گسترده تر کند و ان شاء الله مسأله تکمیل کابینه حل شود." و بدیهی است که مجلس دوم نه تنها به افراد "لایق و کاردان" مورد نظر آقای یزدی رأی خواهد داد، بلکه برای آنها حتی "دست" شرعی هم خواهد زد!

قتل را، براحتی انجام می‌دهد و در تمام این موارد که در روزنامه کیهان آمده است، اقدامات آنها، با اقدامات گشت‌های "غیرقلابی" تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارد. و از اینروست که در ذهن قربانیان آنها، هیچ‌وجه تصور "قلابی" بودن گشت، بوجود نمی‌آید. اقدامات گشت "سیندرلا" و گشت‌هایی نظیر آن، نشانگر عمیق فاجعه ایست که در عرصه امنیت اجتماعی و قضایی در کشور مان وجود دارد.

نماینده‌ای که پرسش مذکور را در مجلس ۳ خرداد مجلس اول مطرح نمود، از جمله افراد بود که انتصاب کنندگان نمایندگان مجلس، دیگران را نسبت به او "اصح" تشخیص دادند و بعنوان آخرین فرصت، "لطف" می‌کرد حق وی کرده و گذاشتند تا "آخرین دفاع" خود را از پشت تریبون مجلس ایراد کند. او با لحنی که ناتوانی در آن موج می‌زد، با اشاره به "دوگانه فساد" در عرصه اقتصاد - اجتماعی، گفت: "ما بعد از پنج سال هنوز نتوانسته‌ایم به این مردم بگوییم که با کدامیک از این معیارها می‌خواهیم زندگی کنیم. و آقایان خان‌ها بروند، فاسدان بروند، دزدان بروند، غارتگران بروند. اگر می‌خواهند برگردند، بنظر من خیلی صادقانه می‌رسد که ما به این مردم بگوییم ۰۰۰" (اطلاعات خرداد) شیخ محمد یزدی که گویسی به این توصیه "اخلاقی" نماینده سابق عمل می‌کرد، "خیلی صادقانه و صریح جواب او را داده و گفت: "وجود و بازار در مملکت، یک بازار آزاد و یک بازار دولتی چیزی نیست که صحیح باشد و بتواند و ام‌بیاورد. این بیماری است که باید هرچه زودتر اصلاح و درمان شود." البته پرواضح است که از نظر یزدی کدام "بارار" باید عرصه را برای دیگری خالی کند.

نماینده سابق خطاب به سران جمهوری اسلامی گفته بود: "اگر شما مالکیت خصوصی را در حد و مرز نامشخصی می‌شناسید و قبول دارید، بیا باید این را اعلام کنید، قانون کنید، از مجلس بگذرانید و به مردم ابلاغ کنید و دهان کسی را که می‌گوید، حق ندارد سرمایه دار مرکز تولید داشته باشد، ببندید و اگر قبول دارید که سیستم مدیریت دولتی کارایی دارد و بنفع مستضعفین است، اینها را حاکم کنید." نایب رئیس مجلس در پاسخ گفت: "دولت با دخالت در مسایل جزئی هر روز برای خود مشکلاتی بوجود می‌آورد و بطور کلی این دولت سالاری درست نیست و دولت باید طبق وظایف خود عمل کند." و البته از نظر آقای یزدی، همان‌طور که نماینده سابق گفته بود، چیزی نیست جز "بستن دهان" کسی که

گشت "سیندرلا" افشامی شود. طبیعی است در کشوری که اینگونه ربه شده‌ها و بسته قتل رسیدنها، که روزی دهها بار بوسیله همین گشت‌های غیرقلابی، صورت می‌پذیرد، مردم و خانواده قربانیان را ز پیگیری مسأله ناامید می‌گرداند. چرا که مردم خوب می‌دانند، تمامی اینها، نتیجه حاکمیت سیستم جنایتکار و آدمخوار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است. گشت‌قلابی "سیندرلا" اقدامات دیگری نظیر دستگیری، بازجویی، اخاذی، تجاوز و

بحران مسکن و تعاونی‌های مسکن کارگری

بقیه از صفحه اول

یك، گزارش حتی ضد انقلابی سرشناسی مانند فرمانفرمایان نیز از خیرم امن جمهوری اسلامی برخوردار شده است. این میلیاردر متواری از طریق اقوام خود اقدام به اخذ اجاره املاک سابق خود نموده است.

کرتش حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر کلان سرمایه داران و صاحبان مستغلات بزرگ، تحکیم مالکیت زمین خواران بر زمینهای موات، اختصاص حجم بزرگی از مصالح ساختمانی برای جبهه های جنگ و ... باعث شده است تا مشکل مسکن ابعاد بیسابقه ای و غیرقابل تحلیلی پیدا کند.

فشاری که از این طریق بر کارگران وارد می شود از همه اقشار و طبقات دیگر بیشتر است. ازمدتها قبل کارگران کوشیدند با ایجاد تعاونی های مسکن کارگری، راهی برای غلبه بر این مشکلات بیابند. با اینکه حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه سیاست تشکله ستیز خود از هیچ اقدامی برای تضعیف و حذف این تعاونی ها کوه تا هسی نکرد، ولی حمایت کارگران از این تشکله باعث شد تا تعداد بسیاری از این تعاونی ها تاکنون باقی بمانند و به کوشش های خود ادامه دهند. از عملکرد آنان و واکنش مسئولین جمهوری اسلامی در برابر آن، همواره گزارشات بسیاری به دست ما می رسد. ذیلا نمونه هایی از آن را درج می کنیم.

تعاونی های مسکن کارگری و خانه کارگر

کارگران نه فقط با ایجاد تعاونی های مسکن مبارزه خود را در راه تامین مسکن هماهنگ کرده اند، بلکه موفق شده اند از طریق متحد ساختن تعداد بسیاری از تعاونی های مسکن کارگری، کوشش های کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی مختلف را نیز هماهنگ نمایند. همواره کوشش های حاکمیت برای متفرق ساختن آنان، تاکنون با شکست مواجه شده است. ۴۶ تعاونی مسکن کارگری که متحداً عمل می کنند، مدت ها قبل موفق شدند از ارگانهای مربوطه دولتی، برای فاز اول عملیات ساختمانی، مقداری زمین اخذ نمایند. اما هنوز نتوانسته اند کار ساختن را آغاز کنند. غیر از مشکلات مالی، از سوی ارگانهای دولتی، موانع حقوقی متعددی تراشیده می شود. علاوه بر آن بخشی از زمینهای کارگران را که در شهرک غرب واقع است، شهرداری با حمایت و تشویق وزیر کشور، ناطق نوری، به کسان دیگری داده است. بر روی زمینهای کارگران، دیگران بطور غیرمجاز ساختمان ساخته اند. اما همه اینها باعث نشد تا کارگران از حقوق خود دست بکشند. مبارزه و درگیری کارگران با ارگانهای مربوطه دولتی، از قبیل سازمان مسکن و زمین شهری، همچنان با شدت ادامه یافته است. تشکله مسئولین خانه کارگر،

که در نقش میانجی وارد شده اند، نه فقط ره به جایی نبرده است، بلکه باعث رودرویی تعاونی های مسکن کارگری با مسئولین خانه کارگری نیز شده است. خانه کارگری کوشد تا مانع اقدام یکپارچه و موثر کارگران گردد. در اواخر سال گذشته که کارگران برای کسب حقوق خود تصمیم به تحصن گرفته بودند، یکی از نمایندگان

صنایع هواپیمایی، تصمیم می گیرند بی توجه به مخالفت دولت راسا در زمین های شهرک غرب آغاز به ساختمان نمایند. ولی در پی مباحثات با نمایندگان دیگر تعاونی ها، قرار می شود از اینگونه اقدامات منفرد اجتناب شود و هرگاه مذاکرات با دولت به بن بست رسید تمامی ۴۶ تعاونی مسکن کارگری متحداً



را آورد جمهوری اسلامی: چادر سیاه یکی از "کوخنشینان" در زیر آرم "بنیاد مسکن". روی زمینهای فوق کار ساختمان سازی را آغاز کنند. پایداری کارگران در عمل مشترک، مداومت در مطالبه حقوق و اقدامات سنجیده و هشیارانه چنان قدرتی به تعاونی های مسکن کارگری داده است که کار حکومت را در سرکوب این تشکله مشکل ساخته است. همه اخلال گریهای خانه کارگر هم ره به جایی نبرده است. خانه کارگر علاوه بر اینکه با غیرمعمول و انود کردن حصول خواسته کارگران، کوشیده است تا آنان را دلزد نماید، اخیراً موزیانه تبلیغ می کند که گویا به صلاح کارگران مسلمان نیست در شهرک غرب، در کنار سرمایه داران، خانه بسازند و دولت این زمینهای گران قیمت را به کارگران نخواهد داد. از اینرو به سود کارگران است تا سیرده های خود را پس گرفته و هر تعاونی راسا از طریق دیگر به دنبال حل مساله مسکن برود.

مالکیت زمین خواران حلالتر از شیر مادر

زمین خواران که دریناه شورای نگهبان و دیگر ارگانها و مقامات جمهوری اسلامی، مالکیشان بر زمینهای موات محترم! شناخته شده است، با جدیت به تفکیک و فروش این زمینها به قیمت های سرسام آور پرداخته اند. در حالیکه دولت حاضر به برداشتن حتی يك گام برای تخفیف بحران مسکن نیست، مردم ناچار

پس از اینکه اشکال می شود مقامات، به وعده های پادروها، قصد اتلاف وقت دارند، تعدادی از تعاونیها، از قبیل تعاونی مسکن

“کار” و “نامه مردم” در جشن قابستانی حزب کمونیست آلمان

از ۲۲ تا ۲۴ ماه ژوئن، جشن قابستانی حزب کمونیست آلمان عربی در شهر پرتال، ببا شرکت احزاب و سازمانهای ترقیخواه از کشورهای مختلف جهان برگزار شد.

رفقای فدایی و توده‌ای، با شرکت فعال خود در این جشن، ضمن برپایی غرفه مشترکی به نام “کار” و “نامه مردم” و پخش نشریات آلمانی و فارسی، و کار تبلیغی و توضیحی، چهره ددمنشانه حکام شکنجه‌گر ۱۰ را افشا نمودند.

شرکت‌کنندگان در جشن، ضمن ابراز همبستگی شورانگیز با تمام نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرستان ایران، تنفیرو انزجار عمیق خود را از جنایات قرون وسطایی حکام ۱۰ در مورد زندانیان در زندان‌ها ابراز داشتند.

رفیق هربرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان، در غرفه مشترک حضور یافت. وی ضمن تاکید مجدد بر همبستگی پرادرانه حزب کمونیست آلمان، با تمام نیروهای ترقیخواه ایران کسارت پستال اعتراض به شکنجه‌ها و اعدام‌های وحشیانه در ایران را امضا نمود. در این جشن هزاران نفر کارت پستال “کمیته همبستگی با ایران” را که امر دفاع از زندانیان سیاسی را عهده‌دار است، امضا نموده و به سفارت جمهوری اسلامی در برن ارسال داشتند.

تعاونی‌ها اندک نیست. سنگ اندازی‌های مقامات مسئول و تحریکات تفرقه افکنانه، بر زمینه بی تجربگی‌ها، وجود عناصر فرصت طلب و... گهگاه موثر واقع می‌شود. مشکلات تعاونی مسکن کارکنان وزارت دارایی، نمودنای آن است. این تعاونی در سال گذشته موفق شد کار عملیات ساختمانی مسکن کارکنان را آغاز نماید. انجام آن به یک شرکت مقاطعه کار واگذار گردید. سوءاستفاده‌های مقاطعه کار و نیز تقسیم ناعادلانه زمین‌های تفکیکی میان واجدین شرایط، اختلافاتی را در میان کارکنان، و میا هیات مدیره و بازرسین تعاونی برانگیخت که هنوز ادامه دارد. با این گمان که از طریق مراجعه به مقامات بالا و ارگانهای دولتی راهی برای حل اختلاف پیدا کرد، اقدامات صورت گرفت که طبعاً بی نتیجه ماند. اعضا تعاونی دریافتند، تنها و شایسته مرجع قانونی حل اختلاف، مجمع است. می‌باشد. از این رو قرار شده است اختلافات مجمع عمومی برگزار شود.

کلار از تکین مبارز خستگی ناپذیر راه آرمان زحمتکشان و رهایی زنان

هزارها، میلیونها زن همین گفته‌ها را با او می‌گویند. کلارا همانند همه این زن‌ها در آرامش و رفاه پرورش نیافته و ساخته نشده است، بلکه در مبارزه با فقر و استثمار پرورش یافته است. کلارا در سراسر زندگی پرتلاش خود در راه متشکل کردن زنان جهان برای مبارزه مشترک آنها، گام زده‌ها و در نتیجه تلاشهای وی اولین کنفرانس بین‌المللی زنان در سال ۱۹۰۷ برپا شد. در سال ۱۹۱۰ میلادی پیشقدمی کلارا از تکین مبنی بر اعلام ۸ مارس به عنوان روز بین‌المللی زنان “در کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست تصویب گردید.

کلارا در سال ۱۹۱۲ گفت: “ما از نکتت دشوار زندگی در جامعه سرمایه داری گذشته ایم و در این مکتب است که جنگا و ر شده ایم و به همین دلیل است که ما می‌توانیم با مبارزاتی که در پیش داریم، رو برو شویم و اگر هم لازم باشد برای آزادی به خاک بخلیم.”

وی همچنین گفته است: “زحمتکشان دست در دست مردم هم طبقه‌اش علیه نظام سرمایه داری مبارزه می‌کند.” اکنون بعد از گذشت سالها، جنبش دموکراتیک زنان پرستار حرکت عمومی بشریست بشیروموفیت‌های شغفگیری در راه رهایی زحمتکشان از سلطه سرمایه داری و امپریالیسم و کسب حقوق اجتماعی به دست آورده است و همچنان گسترده و پیگیر به اشکال گوناگون به مبارزات خود ادامه می‌دهد.

ه ژوئن (۱۵ خرداد) مصادف با سالروز تولد کلارا از تکین، زنی انقلابی و انسانی تشنه آزادی بشریت است که تمام زندگی خود را در راه آرمان زحمتکشان و رهایی زنان سپری کرد. کلارا در ه ژوئن سال ۱۸۵۷ در آلمان به دنیا آمد، پدر وی معلم بود و با روشن بینی و آزادمنشی خاصی فرزندان خویش را تربیت می‌کرد.

فرانسه انقلابی آن زمان که کمون پاریس را به وجود آورد، او را به سوی زندگی زحمتکشان و مبارزه در راه اهداف انقلابی و انسانی آنها کشاند.

کلارا از تکین در سالهایی با مبارزه آشنا شد که پروتاریا راه خود را در مبارزه با سرمایه داری پیدا کرده بود.

وی در جلسات انترناسیونال دوم شرکت می‌کرد و همواره در سخنرانی‌های خود، زنان زحمتکش را به مبارزه طبقاتی پایه پای مردان و علیه استثمار سرمایه داری فرامی‌خواند.

لویی آراگون نویسنده و شاعر بنام فرانسوی در کتاب “ناقوس‌های بال” پس از شنیدن سخنرانی کلارا در سال ۱۹۱۲ در شهر “بال”، درباره او نوشت: “او زن فردا است اما بهتر است که بگوئیم و جرات این کار را داشته باشیم، که او زن امروز است. آن موجود دیرا بر، آن کسی که مساله اجتماعی زن برای او دیگر سر جل شده است. مساله اجتماعی زن برای او و بطور جداگانه و متفاوت با مساله اجتماعی مرد مطرح نیست. او یک موجود استثنایی نیست، هر آنچه می‌گوید ارزش دارد، زیرا

بحران مسکن و...

بقیه از صفحه ۴

می‌شوند. به شرایط زمین‌خواران گردن نه‌ند. برخی از تعاونی‌های مسکن هم پس از اینکه دریافتند امامزاده دولت جمهوری اسلامی معجزی نخواهد کرد، به زمین‌خواران روی آوردند. مقامات دولتی نیز برای گریز از فشارهای کارگران، آنان را به معامله با بخش خصوصی ترغیب می‌کنند. بخش خصوصی هم از آنجاکه در معامله با تعاونی‌ها، زمینها را یکجا به فروش می‌رساند از این کار باخشنود بسیار استقبال می‌کند.

یک شرکت خصوصی بنام “آرتا” در تماس با هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران شرکت نفت در تهران، پیشنهاد معامله پرسر یک قطعه ۲۶۰ هزارمتری را کرده است که به یک زمین‌خوار تعلق دارد، زمین‌خوار مزبور تقبل می‌کند که شخصاً امور تفکیک، کسب اجازه ساختمان، تهیه خدمات شهرداری و... را انجام دهد. بنابه تحقیق این شخص بند و بستی که با

اعضای شورایی قضایی دارد و از طریق پرداخت رشوه، کارهای فوق را انجام می‌دهد.

کارگران با وجود نیاز مبرم به زمین، نسبت به این معامله بدبین هستند و برای بررسی امر درد و از دست دادن، روی همین زمینها، مجمع عمومی خود را برگزار می‌کنند.

نزدیک به ۵۰۰ کارگردار جلسه، در میان بیابان، حاضر شده بودند. اگرچه سپاه پاسداران از این تجمع، به مانند هرگونه تجمع کارگران، به شدت هراسان شده و نیروهای خود را برای پراکنده کردن به محل می‌فرستند، ولی کارگران موفق می‌شوند جلسه را تا به آخر ادامه دهند.

توصیه مشترک کارگران به نمایندگانشان این بود که با توجه به سؤنیست سرمایه داران بزرگ و زمین‌خواران، با هشجاری کامل مذاکرات را دنبال کنند.

اختلافات در تعاونی‌ها باشیوه دمکراتیک باید حل شود

در شرایط کنونی مشکلات پیشبرد کار

گزارشی از اوین، ۲ آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

وضع غذا

در اینجا برای این که مبادا به لحاظ انتشار بیرونی، اسرار ویژه انقلابیون اسیر مورد بهره برداری رژیم قرار بگیرد، از ذکر آنها و نیز طریقه ارتباط گیری زندانیان با یک دیگر و چند و چون تشکلهای درون زندانها، خودداری می‌کنم.

در زندان اوین میزان غذا فوق العاده کم و کیفیت آن به گونه ای است که يك فرد را به زنده نگه می‌دارد. آن هنگام که من در اوین گرفتار بودم، اکثر مواقع به زندانیان نان و خیار و یانان و خرمای دادند. به هر چهار نفر يك لوان کویک می‌رسید. یکی از زندانیان در تحریف و تمجید از مسئولین اوین می‌گفت: "انها واقعا معجزه می‌کنند! غذا را جوری تقسیم می‌کنند که آن مقدار که می‌تواند يك نفر را زنده نگه دارد، به چهار نفر برسد!"

وقت گرفتن جیره، می‌بایست چند توهین و فحش رکیک نیز به عنوان "چاشنی" از پاسداران تحویل گرفت. معمول ترین توهین، این بود که "بیایید کوفت کنید و گردن کلفت شوید!" اگر "اتاقی" خلافی مرتکب می‌شد، می‌بایست باز دست دادن چند وعده "غذا" جزایش را پس دهد.

دستشویی و حمام

توالت رفتن در زندان اوین، يك مساله فوق العاده آزار دهنده است. هر کس در طول شبانه روز فقط ۳ بار حق استفاده از توالست را دارد. به "اتاقی" که مدتی در آن بستر می‌برد و در آن جمعا ۹۵ نفر اسیر بودند، ۲۵ دقیقه وقت می‌دادند، تا به توالست و حمام برویم و اگر ظرفی داریم بشویم. تعداد توالتها بسیار کم بود و هر کس فقط يك دقیقه فرصت استفاده از توالست را داشت. بعد از ۲۵ دقیقه در اتاق رامی بستند و اگر کسی در بیرون می‌ماند، به وجه شدیدی، کتک می‌خورد. هیچ کس نبود که به خاطر توالست و حمام، چند بار کتک نخورده باشد. ناراحتی کلیه و مثانه و ابتلا به بواسیر، به خاطر این شیوه ای که زندانیان برای استفاده از دستشویی وضع کرده بودند، همه زندانیان را آزار می‌داد.

بهداشت

درخواست دارو و دکتر را وین گناهی است بالاتر از کفر و این در حالی است که هیچ کس از ابتلا به بیماریهای مختلف درمان نیست. همه زندانیان از بیماریهای معده، کبد، چشم، دندان، مثانه و پوست در عذابند. این بیماریها مکمل ضایعات مختلفی هستند که از شکنجه ناشی شده اند.

ناگفته نماند که در اوین يك بهداشت وجود دارد که سرپرست آن دکتر شیخ الاسلام زاده، وزیر بهداشتی در رژیم سابق و "برادر شیخ" در رژیم فعلی است. کار اصلی این بهداشت زنده نگه داشتن انقلابیون شکنجه دیده برای تحمل شکنجه های بیشتر است.

از میان پرسنل نیروی هوایی نیز، چند نفر در "اتاق" ما بسر می‌بردند که از خلال صحبتهايشا فهمیدم در جریان انقلاب نقش بسیار فعالی داشته اند.

در "اتاق" هیچ جای نفوذ هوا، وجود نداشت. پنجره ها بسته بودند و رقتن به طرف آنها اکیداً ممنوع بود. هر کس به طرف پنجره می‌رفت، به سختی مجازات می‌شد. کف اتاق دو سه تنگه موکت رنگ و رورفته افتاده بود که به دلیل ریختن خون و چرک از پاهاى شکنجه دیده ها، بروی آن، بوی تعفن می‌داد. شب که سرم را بر روی آن گذاشتم، به یکباره سوزش شدیدی در دماغ و گلویم احساس کردم. موکت، ابتلا به نوعی سرفه خشک را در میان همه "ساکنین اتاق" رواج داده بود.

به تدریج از طریق هم "اتاقی" ها و تجربیات شخصی خودم، با جنبه های مختلف "زندگی" در اوین آشنا شدم. برای آینده گزارش مفصل نشود، بدون رعایت ترتیب زمانی آشنایی با این جنبه ها، آنها را به اختصار بر روی کاغذ می‌آورم.

حرکتهای جمعی در زندانها

مبادرت به حرکتهاى جمعی در اتاقها و سلولهای اوین، جرمی نابخشودنی است. بحث سیاسی، ورزش جمعی، جلسات آموزشی با هر مضمونی که می‌خواهد داشته باشند، صحبتهای درگوشی، و ارتباط گیری به شیوه های مختلف با زندانیان بندهاى دیگر، اکیداً ممنوع است. با این وجود زندانیان به تدریج آموخته اند که چگونه حرکتهاى جمعی را پیش ببرند، تا آنجایی که مقدور است با یکدیگر ارتباط بگیرند، اخبار و تجربیات تازه را انتقال دهند، چگونه به گذران زمان معنی بخشند و به چسان روحیه ها را بالا ببرند.

حرکتهای اعتراضی جمعی در اوین به شدت سرکوب می‌شود. سازمان دادن يك چنین حرکتی برابر است با گرفتن حکم مرگ. با این وجود جنبش اعتراضی در اوین، به تدریج دارد شتاب می‌گیرد و از حرکتهاى ساده به حرکتهاى پیچیده و دامنه دار تحول می‌یابد. دیر نیست آن زمان که همپای گسترش جنبش خلق، در داخل زندانها نیز شاهد حرکتهاى اعتراضی جمعی، حتی بالاتر از آن سطحی که در زمان شاه معدوم وجود داشت، باشیم.

رژیم کوشش می‌کند بین زندانیان، تفرقه بیندازد و "آنتن" های خود را اینجا و آنجا به کار گیرد تا دقیقتر افراد را زیر نظر داشته باشد. زندانیان به تدریج شیوه خنثی کردن این قبیل اقدامات و تشبثات را آموخته اند که من

تا ساعتی بعد از صدای شلیک جوخه ها اعدام، در اتاق سکوت برقرار بود. به نظرم می‌رسید که هر کس دارد در ذهن خود، قامت برافراشته یارانی را مجسم می‌سازد، که دقایقی پیش، برخاک افتاده بودند. به چهره ها کس می‌نگریستی اندوه می‌دیدى و خشم انگشتهای از تارهای لرزیدند. اما گاه می‌دیدى که در کف دستها گره می‌خوردند و از نترستی عظیم، حکایت می‌کردند. لبها در زیر فشار موجی از اندوه، بی‌اراده در لرزش بودند، ولی گاه با فشردن شدن دندانها بر یکدیگر از کینه های شگرف سخن می‌گفتند...

بعد ها در "حسینی" از زبان لا جوردی جلاد شنیدم که بدان جهت اسیران اعدامی را در جوار بندها، تیرباران می‌کنند که وقت و نیروی کافی، برای انتقال آنها، به جای دیگری را ندارند. این حرف دروغ و قیاحانه ای بیش نیست. هدف جلادان از تیرباران در جوار بندها، این است که روحیه بقیه زندانیان را تضعیف کنند، غافل از این که با این اقدام جنایتکارانه، تنها بر نفرتها می‌افزایند و بزبان گلوله ها، پیام مقاومت و تپای جان را، در تمام سلولهای اوین، طنین افکن می‌سازند. بی‌گمان، در سخن لا جوردی، گوشه هایی از حقیقت نیز هست. خلقت از مقاومت باز نمی‌ایستد و لذا جلادان، بسیار پرمشغله اند! اوین باز پررو نقی دارد! ارتجاع از خون سیراب نمی‌شود.

وقتی که به تدریج سکوت ناشی از صدای شلیک یکباره جوخه اعدام، پایان یافت، من شروع به آشنایی با حال و وضع هم "اتاقی" هایم و تجربه "زندگی" در بندهای اوین کردم.

خیلی زود با بقیه اخت شدم. پایبندی به آرمانهای مردمی و سرنوشت مشترک، خلیسی زود زندانیان را با هم صمیمی می‌سازد. در "اتاق" ما افراد مختلفی، با گرایشهای سیاسی گوناگون بسر می‌بردند. "جرم" اغلب آنها هواداری از سازمان مجاهدین بود. برخی هم بودند که به هیچ گروهی وابستگی نداشتند. کميته چي هاحين شكار خيابانى، آنها را "شكوك" تشخیص داده و راهی اوین کرده بودند. کسانی هم بودند که حکم گروگان را داشتند. مثلاً پیرمرد کردی، به جرم این که فرزندش پیشمرگ،

است، هم بند ما شده بود. تعداد کارگران دستگیر شده نیز چشمگیر بود. برخی از آنها به دلیل وابستگی به این یا آن جریان سیاسی و برخی دیگر به دلیل تعهدات طبقاتیشان که به صورت مقابله با کارفرما و یا سیاستهای ضد کارگری رژیم، بدون داشتن يك نمود سیاسی مشخص، جلوه کرده بود، به زندان افتاده بودند.

ملاقات

داشتن ملاقات، اگرچه برای يك زندانی به منزله يك شادی زاید الوصف است، اما برای خانواده او، بامشقت شدیدی همراه است، چه در رابطه با درد سری که برای ورود به اوین باید بکشند و چه به لحاظ زجری که باید از دیدن عزیزان در بند خود، متحمل شوند.

اگر يك زندانی بعد از تعیین مدت محکومیتش بتواند دو ماه يك بار ملاقاتی داشته باشد، باید خیلی احساس رضایت کند. بختیاری از زندانیان تاندتهای مدید ملاقاتی ندارند. خانواده هایشان بارها به اوین سر می زنند، یا جواب رد می شنوند و یا اینکه اصولاً به آنها گفته نمی شود که اسیرشان در این زندان است. خیلی از زندانیان بعد از اسارت دیگر چشمشان به چهره عزیزانشان نمی افتد. يك شب برای خانواده شان نامه می نویسند و یا تلفن می زنند و بعد در برابر جوخه اعدام قرامی گیرند. زمان ملاقات حداکثر ۱۰ دقیقه است. تماس زندانی با افراد ملاقات کننده از طریق تلفن صورت می گیرد. صحبتها به شدت تحت کنترل است و رد و بدل کردن هرگونه ایما و اشاره، اشاره به وضع داخل زندان و زدن حرفهای "بودار" هکاله به زبانها و گویشهای محلی، اکیداً ممنوع است. شاید یکی از متاثرکننده ترین صحنه های جامعه مادرتحت حاکمیت جمهوری اسلامی، صحنه ملاقات خانواده ها با عزیزانشان در زندانها سیاسی باشد و در زمینه این صحنه هیچ چیز جانگذاز تر از آن هنگامی نیست که خانواده ای به ملاقات فرزند یا پدر یا مادر خود آمده است و به ناگهان خبردار می شود که عزیزشان را تیرباران کرده اند. گاه جلادان، به آنها که با هزار امید به دیدار دلبنده شان آمده اند شماره ای می دهند که نشان از يك گوری نام، در گوشه ای دور افتاده دارد.

شکنجهای روانی

در پوشش تبلیغات ایدئولوژیک

شکنج در اوین و دیگر زندانهای جمهوری اسلامی، تنها در جریان بازجویی نیست. لحظه ای از "زندگی" يك زندانی جدا از شکنج، سپری نمی شود.

شاید بتوان گفت یکی از عذاب آورترین شیوه های آزار زندانی در اوین، استفاده از شکنجهای روانی در پوشش تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک است. بلندگوهای اوین تا ساعت ۱۲ شب، يك ریز زوزه می کشند، دو ساعت خفقان می گیرند و بعد دوباره عریه کشی شان را ادامه می دهند. در اتاقهای "آموزشگاه" تلویزیونهای مدار بسته کار گذاشته اند که بین ساعات ۸/۵ تا ۹ شروع به پخش برنامه می کنند. برنامه این تلویزیونها - که اجباراً فرد باید به آنها گوش دهد - عمدتاً از لجن پرانی های گیلانی، لاجوردی، نبوی، قرائتی و دیگران تشکیل می شود. بخشی از وقت زندانی نیز با سروکله زدن با اصطلاح "معلمهای آموزشی" سپری

آخرین اندیشه

صدای چکمه هاشان
موشهای بند راهم می آرند
آمدند
چشمهایش را بستند
و او را بردند

اما او به هیچ چیز نمی اندیشید
جز ستاره دنباله دار سرخی که
در انجماد ظلمت، می ترکید

صدای تازیانه، در گوش او
وقتی که چو نان خنجر می
قلب ورم کرده هوا را

می دید
به صفیر پرند ه ای می مانست
که در نخستین طلوعه خورشید
بال و پری شست

هی! به پرواز!
گوزنها تشنه اند
بدانان،
راه چشمه را بنما!



باز
آمدند و او را بردند
اما او باز
به هیچ چیز نیندیشید
جز آن ستاره دنباله دار
و آن پرند ه
که در آفتاب، پری شست



این بار
پاسی از شب گذشته بود
آمدند و او را بردند
و صدها ستاره دنباله دار سربل
آذین سینه اش کردند
اما او در آن دم آخرین
به هیچ چیز نیندیشید
جز آن ستاره دنباله دار
که صد هزار خورشید بود
و آن هزاران پرند ه ای
که در آفتاب، نور
بال و پری شستند!

۴۰-۲۰۰۰

راه لاجوردی گفتند. لاجوردی دستور داد که آن شب تاصبح مار در هوای سرد زمستان و در زیر برف نگه دارند. ماکه پوشش مناسبی نداشتیم و پاسداران نمی گذاشتند با ورزش خودمان را گرم نگه داریم، به دنبال این مجازات دچار آن چنان سرما خوردگی ای شدیم که هنوز که هنوز است از عوارض رنجه می بریم.

ادامه دارد

می شود. آنها در حالی که مشتی ورق پاره به همراه دارند، با انگار بر شلاق و جوخه های اعدام، زندانی را به بحث سیاسی و ایدئولوژیک دعوت می کنند. آنها حماقت از سرو رویشان می بارد، ولی وقتی به سرنیزه تکیه می دهند، خود را علامه دهر می پندارند. کافی است کسی يك نفر از این آخوند های شکنجه گرا به استهزا بگیرد و در جریان با اصطلاح بحث ایدئولوژیک، به ریششان بخندد، در این صورت بلافاصله باید منتظر عقوبتش باشد، از عا ن کند مرتد و ملحد است و تنها جوخه اعدام می تواند از پسر گناهانش برآید.

هفته ای دست کم دو بار نیز باید راهی "حسینیه" شد. صحنه گردان اصلی "سینیه"، لاجوردی جلاد است. در برنامه های "حسینیه"، افراد مختلفی شرکت می کنند: از موسوی اردبیلی گرفته تا احمد رضا کریمی ساواکی (مشهور به "توابع و نظام"). کار "حسینیه" لجن پرانی بر علیه نیروهای انقلابی است. سخنرانان يك ریز علیه ایدئولوژی و سیاست نیروهای انقلابی، فحاشی می کنند و برای این که شنوندگان کاملاً قانع شوند، در پایان "افاضات" خود به ارباب و تهدید، توسل می جویند.

در "حسینیه" که تعداد زیادی زندانی را در آن جمع می کنند، گاه می توان شاهد جلوه های چشمگیری از حرکات اعتراضی بود. به عنوان نمونه، یکبار که بلند گو در اختیار احمد رضا کریمی خائن بود، همه زندانیان شعار دادند: "مرگ بر ساواکی!" لاجوردی بلا شنیدن این شعار از جا پرید، پشت تریبون رفت و نعره کشید: "مرگ بر خودتان! ساواکی ها که از شما بهترند!"

یکبار نیز که زواره ای، نمایند مجلس، برای "ارشاد" زندانیان، به حسینیه "تشریف" آورده بود، در حین سخنرانی او يك نفر از میان صف زندانیان زن، از جا برخاست و فریاد زد: "بی شرفها! ما را برای چه به اینجا آورده اید؟ این چه ظلمی است که بر سر ما می آورید؟ بپرید ما را بکشید و راحتتان کنید!" لاجوردی، با شنیدن این سخن، مثل يك افعی زخم خورده از جا پرید و نعره زد: "مطمئن باش که اعدامت خواهیم کرد!"

تو خودت حکم مرگ را صادر کردی! اما این حرفها را قبول نمی کنیم! ما چند روز پیش آن دخترکی را که در مسیر دادستانی می خواست خود را از مینی بوس، به بیرون پرت کند، اعدام کردیم! ترا هم سره نیست می کنیم!"

شرکت در برنامه های "سینیه" اجباری است و حتی در صورت داشتن بیماری شدید نیز نمی توان از زیر آن شانه خالی کرد. ینبار که من و چند نفر دیگر می خواستیم به بهانه سرما خوردگی به "حسینیه" نرویم، شدیداً مورد غضب پاسداران قرار گرفتیم. آنها ما را به اجبار روانه "حسینیه" کردند و در پایان برنامه جریان

در حاشیه



تبلیغ اسرائیلی در نماز جمعه

جلال الدین فارسی، مهره مزدوری که تبلیغات ضد کمونیستی و ضد فلسطینی او از خبث و فاحش نیز گذشته است، بهمناسبت "روز قدس" در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه، در فحاشی به سازمان آزادیبخش فلسطین و اتحاد شوروی به عنوان استوارترین متحد جنبش خلق فلسطین، گوی سبقت را از آمریکا و اسرائیل، ریود به نظر فارسی، سازمان آزادیبخش فلسطین به شراب، فساد و زنا آلوده است و حال باید آنچنان رهبری ای برای آن تراشید که

"مارکسیستها و ملحدین را مردود شمارد". اما به نظرا و باز "دهها سال زمان طول می کشد تا اثرات ناشی از این انحرافات از بین بروند". آنهايي که صد هاهای دانشگاه مسکو رفتند، از شریعت اسلام باز گشتند و پشت پایه تمام عقاید امت اسلام زدند. این جاست که این نهضت با منافع عديده مواجه می شود.

فارسی مزدور، با مطرح کردن اتحاد شوروی و کمونیستها به عنوان دشمنان اصلی خلق فلسطین و سکوت معنی دارد رقبالی نقش امپریالیسم آمریکا در منطقه، ماهیت خود را بخوبی عیان می سازد و دریایان لجن پراکنی های خود همصدای ارتجاعی ترین مغافل مخالف ساف، نفاق افکنی را به جایی می رساند که به خود حق می دهد رهبری کنونی جنبش را کنار بگذارد و "رهبری شایسته ای" (!) متناسب با معیارهای اسلامی (بخوان آمریکایی) "برای آن بود آورد". (نقل قولها از کیهان ۹ تیر - تاکید از ماست)

اقتصاد جنگ زده را باید جنگ زده تر کرد!

نبوی وزیر صنایع سنگین اخیرا در مصاحبه ای با کیهان گفته است: "جنگ آن طور که باید و شاید وارد زندگی و اقتصاد ما نشده است... به اعتقاد من می بایست ما در شرایط جنگ، اقتصاد خودمان را به سمت یک اقتصاد جنگی سوق می دادیم و باید بدویم... جنگ ما به این سادگیها تمام نخواهد شد."

(کیهان - ۲۳ خرداد) به زعم نبوی باید اقتصاد را کاملاً به صورت جنگی در آورد و بر مبنای سیاست خانمان بر انداز تداوم جنگ، اقتصاد و رشکسته فعلی را به هدایت به سمت تولید "جنگی"، و رشکستر ساخت. او خود می گوید: "ما (باید) برای جمهوری اسلامی ایران یک اقتصاد جنگی

تدارک ببینیم... بسیاری از واحدهای تولیدی صنایع سنگین، قابلیت این کار را داشته و دارند که مستقیم در خدمت اهداف جنگ قرار گیرند، حال این که تا بحال چنین عمل نکرده اند و دلیلش این است که همه فکر می کنند انشا الله بزودی جنگ تمام خواهد شد. باید باین قضیه برخورد قاطع شود." (همانجا)

يك حرف حسابی!

"شما می خواهید بگویید که ما جلوی هجوم دهاتی ها را به شهرهای بزرگ می خواهیم بگیریم... هر روز ۲۰۰ خانواره تهران کشته می کنند، درحد و ۱۰۰ خانواره اطراف کرج کوی می کنند، درحد و ۳۰ خانواره قم کوی می کنند... ما هر روز ده روستا را با دست خودمان منهدم می کنیم و از بین می بریم!" (نطق پیش از دستور مجلس يك نماينده اطلاعات - ۴ تیرماه)

قلاده و زنجیر

"امام که بیشتر از هر چیز جلوی چشم ما مجسم است و این امت مقلد هم قلاده و زنجیر است. اسلام را با قبول ولایت فقیه به گردن انداخته است." (نماینده مرند، کیهان ۶ تیر)

کارگران "سایا" افشاء می کنند

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷/۳/۶۳ اطلاعیه "روابط عمومی شهرانی جمهوری اسلامی ایران" را با این تیترو درشت چاپ نموده بود: "۱۱ کارگر شرکت سایا با اتهام سرقت و فرورش لوازم یدکی اتومبیل دستگیر شدند". در اطلاعیه گفته شده بود که دینی اقدام ماموران شعبه ۸ اداره آگاهی بیش از ۵ میلیون ریال لوازم یدکی فروخته شده جمع آوری گردید.

پس از انتشار این خبر، کارگران آگاه شرکت سایا طی نامه ای به روزنامه اطلاعات ۴/۴/۶۳، این حرکت کثیف ضد کارگری را افشاء نمودند.

کارگران در این نامه می نویسند: "خاطیان از خدایی خبر این شرکت که بعضی از آنها مانند آقای ۰۰۰ (نام آیین شخص در نامه ذکر شده است - اطلاعات) فتو دال نیز می باشند، از سالهای ۹۵ و ۹۶ اقدام به سرقت اموال شرکت می کردند و لوازم یدکی اتومبیل های رنو و ژان را توسط عده ای سارق به واسطه های فروختند و باین ترتیب طی این مدت ۲۵ میلیون تومان از اموال شرکت را خیف و هیل کردند و لی آنچه مورد تاسف و تأثر ما کارگران شده این است که اداره آگاهی این سارقین را کارگرشناسایی کرده و در جراید نیز با همین عنوان معرفی شده اند، درحالی که یکی از آنها همین آقای ۰۰۰ است که در کمال آباد کسری زمین ها و باغات کشاورزان را غصب کرده و بصورت غیرقانونی به افراد نا آگاه بطور غیرمجاز می فروشد و در کارخانجات هم دست به سرقت دسترنج کارگران زده است و... این فرد ضدانقلاب کماز هر فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب استفاده کرده و خواهد کرد، همواره مقابله کارگران انقلابی و متعهد این شرکت بود و ما لاخره

هم با وارد آوردن این ضربه موجبات دلسردی کارگران فعال را فراهم آورده است."

گروهی از دیگر کارگران نیز طی نامه ای مشابه گفته اند: "ما ۰۰۰ ضمن محکوم کردن اینگونه تعامل ننگین از مسئولین شهرانی - جمهوری اسلامی ما می خواهیم ماهیت واقعی سارقین را هر چه زودتر مشخص و اعلام کنند، هرچند که برای ما کارگران ازمد تنها پیش شخص و معلوم بود و اگر مقامات ذریع پخو خواهند حاضر به افشای نام آنها نیز هستیم."

نردبان مراد

"يك حرکت مرموز شده که نیروهای دلسوز انقلاب را کنار بزنند... آنچه که مسلم است این حرکتها به وضوح و آشکار در بسیاری از نقاط به چشمی خورد و کم نیستند و در کشور ما جوانان مخلصی که از دست فرصت طلبها و عناصر مرموز جان به لبشان رسیده و نمی دانند چه کنند، این موضوع را جدی باید تلقی کرد و لازم است پاره اندیشی شود... بسیاری از روستائیان ما حالا هم از دست خوانین در امان نیستند."

بسیاری از درگیری های روستاها به وسیله همین خوانین طرح ریزی می شود... کمتر موردی پیش می آید که به سراغ این جرمه های فساد که مفسده انگیز اجتماع هستند بروند و آنها را به سزای اعمالشان برسانند... بسیاری از خوانین با خود شیرینی و باشیطنت های خاص خودشان نزد برخی افراد وجهه المله جای پای می کنند و از همین جای پا، هم با بر سر حق ضحافی گذارند و هم از نردبان مراد بالایی روند... (سید عباس موسوی نماینده درود و از نسای کیهان - ۱۳ تیرماه)

يك بیمارستان نمونه در

جمهوری اسلامی

زایشگاه بیمارستان: "مشکلات در این قسمت زیاد است، هم از نظر کمبود وسایل و هم از نظر پرسنل، ما نمیدانیم دیگر قسمتها سوسک درخشان و زیاده است ما بخش را تخلیه کردیم تا بوسه سیله مواد ضد عفونی کننده سوسک را از بین ببریم و سه ینا چهار روز این کار ادامه داشت، ولی بعد از آن سوسکها را حتی در تخت کودکان و در قوطی شیر نو زادن دیدیم!"

تخت اتاق درد در این زایشگاه کم است و ما تا ه نفر می توانیم در روی این تختها جای دهیم، بقیه مجبورند که در راهرو قدم بزنند!"

بخش اورژانس: "یکی از مشکلات ما این است که اورژانس ما بدون تخت است، یعنی اورژانس فقط شامل يك اتاق پزشک می شود و يك اتاق عمل که تخت ندارد!"

"يك زائد و برای عمل سزارین فرستادیم گرگان، قبول نکردند و فرستادند، ساری و بعد هم انتقال دادند به آمل، حتی صاحب میزش نیز نمی دانست بیمارش کجا است!"

(بیمارستان "شهید هطهری" - اطلاعات ۷ فروردین)



پس عیدی ما چه شد؟

میزان متوسط عیدی هر ساله کارمندان دولت پایین تر است. - بعد از گذشت قریب به ۴ ماه از آغاز سال نو نتوانسته است عمل کند و از این طریق اغلب کارمندان دولت را به بقول خودشان "اکثرا سکه را پیش فرو کرده است" (اطلاعات - ۴ تیرماه) - در فشار زیادی قرار داده است. آنها هم به دم به روزنامه ها، نامه می نویسند، تلفن می زنند و شکایات خود را با عباراتی از این دست ابراز می دارند:

- "چرا سکه های قراردادی را نمی دهید؟" (کارمندان قراردادی آموزش و پرورش، کیهان - ۲۱ خرداد)
- "هنوز سکه های ما را ندادند!" (کارمندان هواپیمایی، کیهان - ۲۷ خرداد)
- "سکه های ما را چه موقع می دهند؟" (کارمندان جهاد خودکفایی وزارت بهداشت، کیهان - ۴ تیر)
- "سکه عیدی کارمندان چه شد؟" (کارمندان شهرداری، اطلاعات - ۴ تیر)
- "بهارمان در انتظار سکه بهار آزادی گذشت!" (عده ار کارمندان دولت، همانجا)
- "سکه های بهار آزادی ما را چه وقت می دهند؟" (کارمندان خرید خدمت و وزارت مسکن و شهرسازی، کیهان - ۱۳ تیر)

کارخانه ها به کار بسته می شود، نه تنها هیچگونه "جذابیتی" در بر ندارند تا اشتیاقی در مستحقان جهان "برای مستفیض شدن از رهبری جمهوری اسلامی برانگیزند"، بلکه کارگران آگاه میهنان نیز مبارزه می کنند تا اینگونه قوانین و مقررات ضد کارگری را در زباله دان تاریخ بیندازند.

و شکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی، روز بروز جلوه های بیشتری از خود را در معرض دید همگان قرار می دهد. رژیم برای تداوم جنگ خانمان برانداز فعلی چنان رقم اقتصاد کشور را کشیده است که حتی بعد از گذشت قریب به ۴ ماه قادیست عیدی ناقابل کارمندان دولت را بپردازد.

رژیم بنا بر توصیه کنوکرانهای خویش، امسال بر آن شده که برای باصلاح کاهش نقدینگی و جذب مقداری از اسکناسهای در گردش - سیستم بانکی، مقدار تیرفرانی سکه طلا عرضه کند. در همین راستا بود که تصمیم گرفته شد به جای عیدی به کارمندان دولت سکه "بهار آزادی" پرداخت شود. حکومتگران برای ما و ما بود ند که کارمندان، سکه عیدی را با بخواهند کرد و از این رو پرداخت طلا به پرداخت مستقیم پول ارجحیت دارد و در آستانه سال، "میل به مصرف" را دامن نمی زند. این برداشت بر اساس يك تحلیل و شناسا احقاق نه از علل تورم افسار گسیخته موجود استوار است، که بر اساس آن تصویری شود مردم گرسنه ایران با "مصرف گرایی" خود، توازن عرضه و تقاضا را بهم زده اند. در این تحلیل، مطلقا به این نکته که سطح مصرف اکثریت مردم ما در شرایط فعلی، به مراتب پایین تر از استانداردهای معمولی مصرف است، توجه نمی شود.

رژیم بروعه خود مدینی بردادن يك سکه طلای آزادی به عنوان عیدی - که قیمت آن از اوین، و نمایندگان شایسته طبقه کارگر را به زیر شکنجه های ددمشانه و جوخه اعدام می سپارد، می توان دریافت ارزشهای الهی "مورد نظر" و زیر کار کدام است. آن "ارزشهای الهی" ای که و زیر کار به آن استناد می کنند و اکنون در قالب قوانین و مقررات و آیین نامه های ارتجاعی به زور سر نیزه پاسداران جهل و سرمایه در

افاضات وزیر کار در کنفرانس بین المللی کار و رسوائی بیشتر حکومت کارگروستیز

سرحدی زاده وزیر کار طی سخنرانی خود در کنفرانس بین المللی کار در ژنو گفت: "تا زمانی که استانداردهای بین المللی کار بر مبنای ارزشهای الهی تدوین نگردد، هیچ گونه تضمینی برای رعایت آنها وجود نخواهد داشت." (کیهان ۲۰ خرداد)

"کارگر" مجبور الهویه و بی نام و نشانی نیز از سوی حکومت به این کنفرانس بین المللی که نماینده های اتحادیه های کارگری، کارفرمایی و دولت هر کشور در آن شرکت می کنند، فرستاده شده بود. وی نیز نظریات دولت را بیان نمود و از سیاستهای ضد کارگری حکومت دفاع کرد. نمایندگان کنفدراسیونهای کارگری بعضی از کشورهای جمله فرانسه، سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کردند. نماینده کنفدراسیون عمومی کار (ژ.ت.ا) از فرانسه گوشه هایی از این سیاستها را در این کنفرانس مطرح کرد.

فرستادگان دولت و مزدوران حکومت در این کنفرانس با رسوایی تمام رو بر داشته و در مقابل با انتقادات و اعتراضات به "وحی الهی"، "ارزشهای الهی" و "مستول گشتند". استانداردهای بین المللی که دولت جمهوری اسلامی هیچگونه تضمینی برای رعایت آنها نمی بیند از جمله اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی است که دولت مقاوله نامه امضا شده آنرا مورد تایید قرار داده است. در مواد ۱ تا ۵ این اعلامیه آمده است:

"زمینکنان از جمله کارمندان دولت، حق دارند بدون کسب اجازه گرد هم آیند، سندیکا تشکیل دهند، به سازمانهای سندیکایی موجود بپیوندند و بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سندیکایی شرکت نمایند. اعضای سندیکاهای آزادانه اساسنامه سندیکایی خود را تنظیم می کنند و طرز کار و فعالیت های سندیکارابدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می دهند. اعضای سندیکا حق دارند، طبق اساسنامه، رهبران سندیکاهارا انتخاب کنند و به عضویت ارگان های رهبری سندیکایی انتخاب شوند."

(هفته نامه اتحاد، شماره ۱۲۲، ۵ آبان ۶۰) با توجه به اینکه کلیه این "استانداردها" در جمهوری اسلامی لگد مال می شوند و جمهوری اسلامی جز فقر و فلاکت برای کارگران ارمغانی نداشته، آنها را از شکل بازمی دارد، تشنل های موجود را به انهدام می کشاند، کارگران آگاه را به مسلخ های قرون وسطایی

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

جمهوری توده‌ای مغولستان: از خواب عمیق قرون وسطایی قاپیشرفت در مسیر سوسیالیسم

اساسی جزئی از اموال عمومی و متعلق به دولت است. تعاونی‌ها در بخش کشاورزی فعالیت دارند. درآمد ملی در مغولستان در فاصله سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۸ بیش از دو برابر شده است. در همین فاصله تولید صنعتی به نزدیک به پنج برابر تولید انرژی به حدود ۱۵ برابر رسید. بخش مهم صنایع کشور به فرایند محصولات کشاورزی و دامپروری اختصاص دارد، اما صنایع فلزی نیز بطور روز افزون گسترشی یابند.

مجسمه قهرمان
ملی مغولستان و
بنیانگذار جمهوری
توده‌ای مغولستان
"سوخته باتور" در
یکی از میادین
اولان باتور،
پایتخت مغولستان

۱۹۲۱ یعنی ۴ ماه پس از انقلاب تأسیس شد. در آن زمان ۹۹/۵ درصد جمعیت کشور بیسواد بودند. امروزه برنامه عمومی کردن تحصیلات رایگان هشت ساله تقریباً باموفقیت به پایان رسیده و ارتقای تحصیلات عمومی و رایگان به ۱۰ سال در دستور کار قرار دارد. هزاران متخصص سوسیالیستی و یاد در مغولستان تحت نظر کارشناسان کشورهای برادر آموخته شده‌اند. در سال تحصیلی ۱۹۷۸/۷۹، ۶۳۷ مدرسه با ۳۶۲۰۰۰ دانش‌آموز، ۳۷ مدرسه حرفه‌ای با ۱۹۷۰۰۰ محصل، ۲۴ مدرسه تخصصی با ۱۶۹۰۰ دانشجو و ۶ مدرسه عالی با ۱۹۸۰۰ دانشجو



وجود داشت که بمقیاس جمعیتی معادل ۱/۶ میلیون نفر، ارقام جالب توجهی است. در مغولستان ۱۶۴۰۰ تخت بیمارستان (بدون در نظر گرفتن آسایشگاه‌ها) موجود است که نسبت آن به تعداد جمعیت (۱۰۰ به ۳۰۰) سه برابر رقم مشابه در تهران (۱۰۰ به ۳۰۰) و شش برابر رقم مربوط به کل ایران است. ۳۳۰۰ پزشک در مغولستان فعالیت می‌کنند.

زنان در جمهوری توده‌ای مغولستان نقش بزرگ و شایانی در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بعهده دارند. در انتخابات ۱۹۷۷، ۲۳ درصد نمایندگان منتخب برای پارلمان این کشور را زنان تشکیل می‌دادند. "کمیته زنان مغولستان" که در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد، عضو رسمی قدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات است. مغولستان از پیروزی انقلاب مردمی

ضد فئودالی و ضد امپریالیستی در سال ۱۹۲۱ بدین سو همواره سیاست خارجی مترقی و صلح‌دوستانه‌ای را تعقیب کرده است. امروزه این کشور نقش مهمی در سیاست خارجی مشترک و هماهنگ شده اردوگاه سوسیالیسم ایفا می‌کند. مغولستان بیش از دو دهه نزدیک‌ترین متحد کشور شوراهای بود. همکاری اتحاد شوروی و مغولستان که لنین کبیر مبتکر و پایه‌گذار آن بود، نخستین نمونه روابط برادرانه میان دو دولت در تاریخ بشر است.

تکامل شتابانی که مغولستان در شش دهه اخیر پشت سر گذاشته، برآستی آیین‌نامه‌ای دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، عصرهایی بشریت از استثمار و بردگی، و نمونه درخشانی از تعالی جامعه‌ای عقب‌مانده و بدوی بسوی سوسیالیسم است.

بویژه باید از پروژه مشترک اتحاد شوروی و مغولستان در زمینه استخراج و تولید مس و مولیبدن نام برد که در سال ۱۹۷۸ تولید خود را آغاز کرد.

دامپروری همچنان نقش مهمی در اقتصاد مغولستان ایفا می‌کند. نسبت تعداد دامها به جمعیت در مغولستان بیش از هر کشور جهان است. ۵۰ درصد کل صادرات مغولستان را محصولات دامپروری تشکیل می‌دهد.

علاوه بر صنعت، تمرکز تولید و بزرگ مقیاس شدن آن، در کشاورزی و دامپروری نیز به سرعت جریان دارد. در حالی که در سال ۱۹۵۹، ۷۲۷ واحد تولیدی تعاونی در این بخش وجود داشت، اینک بر اثر تمرکز تولید و بزرگ شدن واحدها، این رقم به ۲۵۷ رسیده است. علاوه بر این تعداد، ۵۷ واحد دولتی نیز وجود دارد.

در مغولستان از بیکاری خبری نیست. طبق قانون، زحمت‌شان در روز ۸ ساعت کاری کنند. البته در مورد مشاغل سنگین، تعداد ساعات کار روزانه کمتر است (۶ الی ۷ ساعت). کارگران و ناظران از مرخصی سالانه (با حقوق) برخوردارند و همگی مشمول بیمه اجتماعی هستند، که بهداشت و درمان، بیمه از کارافتادگی، وقت یادایم، کمک‌های مالی در موارد مختلف، بیمه بازنشستگی و بیمه افراد تحت تکفل را در بر میگیرد. در صورت باردار شدن، زنان می‌توانند از ۱۰۱ روز مرخصی با حقوق کامل و مزایا، و در صورت تقایل از ۶ ماه مرخصی پس از زایمان با دستمزد ساده از کمک مالی برخوردار گردند.

نخستین مدرسه در مغولستان در نوامبر

۱۱ ژوئیه (۲۰ تیر) سالگرد پیروزی انقلاب مردمی مغولستان در سال ۱۹۲۱، و روز ملی جمهوری توده‌ای مغولستان است. مغولستان در آسیای مرکزی، بین اتحاد شوروی و چین قرار گرفته و مساحت آن برابر ۱,۵۶۵,۰۰۰ کیلومتر مربع است. طبق سرشماری ۱۹۷۹، این کشور ۱,۶۴۱,۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت مغولستان "اولان باتور" نام دارد و زبان رسمی آن مغولی است.

تاقبل از انقلاب ۱۹۲۱، مغولستان از عقب‌مانده ترین کشورهای آسیا بود. تقسیم کار اجتماعی مراحل اولیه تکامل خود را می‌گذراند. نه تنها صنعت وجود نداشت، بلکه تقریباً تولید کارگاهی خرده پانیز خبری نبود. در آن زمان، بخش اعظم تولید ملی مغولستان را محصولات دامپروری تشکیل می‌داد. ۱۳۸۴ فئودال و ۲۷۴۹ صومعه بودایی (که روحانیون آن نقش فئودال را ایفا می‌کردند)، یعنی ۵۰/۵ درصد کل جمعیت، ۹۷ درصد دام‌های کشور را در اختیار داشتند. کشاورزی زیاده‌رواج نداشت.

نگان شدیدی که انقلاب اکثريت به جهان داد، به تغییرات شگرفی در مغولستان، جامعه به خواب رفته قرون وسطایی، منجر شد. در اول مارس ۱۹۲۱، حزب انقلابی خلق مغولستان تشکیل گردید و نخستین کنگره خود را برگزار کرد. اندکی پس از آن، در ۱۱ ژوئیه ۱۹۲۱، این حزب قدرت دولتی را در دست گرفت. در ماه اوت ۱۹۲۴، سومین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان برنامه راه رشد غیر سرمایه‌داری برای این کشور را مورد تصویب قرار داد و در ۲۶ نوامبر ۱۹۲۴، جمهوری توده‌ای مغولستان تأسیس شد و قانون اساسی آن رسمیت یافت.

مغولستان به کمک اتحاد شوروی به نخستین کشوری تبدیل گردید که بدون گذراندن مرحله سرمایه‌داری تکامل اجتماعی، راه سوسیالیسم را در پیش گرفت. پس از انعقاد قرارداد دوستی مغولستان و روسیه شوروی در نوامبر ۱۹۲۱، نخستین صنایع در کشور بوجود آمدند.

مرحله دمکراتیک انقلاب تا سال ۱۹۴۰ ادامه داشت و از آن پس، دوره ایجاد پایه‌های سوسیالیسم آغاز شد. در سال ۱۹۵۹، در گرونی سوسیالیستی بخش کشاورزی و دامپروری به پایان رسید و در سال ۱۹۶۲، مغولستان به "شورای همیاری اقتصادی" پیوست.

در آغاز ساختمان سوسیالیسم در سال ۱۹۴۰، سهم صنعت در کل تولید کشور، تنها ۱۶/۵ درصد بود. امروز صنایع مغولستان ۷۰ درصد محصولات را تولید می‌کنند. در مغولستان زمین و منابع آن، جنگل‌ها، آب‌ها و ثروت‌های آن، کارخانجات و کارگاه‌ها، معادن، شبکه حمل و نقل، پست و مخابرات طبق قانون



رویدادهای جهان

دانشمندان جهان، علیه نقشه‌های ریگان برای مسابقه تسلیحاتی در فضا

حدود ۲۵۰۰ دانشمند از کشورهای اروپا، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در کنفرانسی که تحت شعار "مستولیت برای صلح" در شهر دانشگاهی گو تینگن در آلمان فدرال تشکیل شده بود، شرکت کردند. مهمترین موضوع مورد بحث در این کنفرانس جهانی دانشمندان جلوگیری از نظامی کردن کیهان بود. شرکت کنندگان در این گردهمایی با قاطعیت تمام با گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی به فضا که دولت ریگان مسئول آن است، ابراز مخالفت کردند. دانشمندان حاضر در کنفرانس اعلام نمودند که نظامی کردن کیهان، خطر جنگ هسته‌ای در زمین را افزایش می‌دهد. تعداد زیادی از شرکت کنندگان اشاره کردند که میان برنامه تولید و استقرار موشکهای قاره پیمای ام‌ایکس در آمریکا، استقرار موشکهای میان برد در اروپای غربی و تلاش برای ایجاد نوعی چتر دفاعی ضد موشکی بر فراز ایالات متحده آمریکا ارتباط مستقیم وجود دارد. نمایندگان کنفرانس رویای "گزند ناپذیری" آمریکا در صورت ایجاد سیستم‌های ضد موشکی در فضا را که دولت ریگان بسطه دنبال تحقق آن است، بی اساس و غیرممکن خواندند.

پرفسور "لاینس پاولینگ" شیمیدان مشهور آمریکایی و برنده جایزه نوبل که در کنفرانس گو تینگن شرکت داشت، نظامی کردن فضا را جنایت در حق بشریت خواند.

در کنفرانس گو تینگن، ابتکار اتحاد شوروی در مورد پیشنهاد آغاز مذاکرات برای جلوگیری از نظامی کردن کیهان بعنوان پیشنهادی جدی و سازنده ارزیابی گردید. شرکت کنندگان در کنفرانس به تدوین طرح قراردادی مربوط به منع استقرار سلاح در فضا و ارایه آن به اتحاد شوروی و آمریکا توجه خاص مبذول نمودند.

مدیرانه باید به منطقه صلح تبدیل شود

درلگارد کنفرانس سه روزه‌ای با شرکت نمایندگان احزاب ترقیخواه ۱۴ کشور منطقه مدیترانه تشکیل شد. در این کنفرانس همچنین هیأتی از سازمان آزاد بیخش فلسطین علاوه بر نمایندگان ۳۴ حزب، شرکت جست. موضوع مورد بحث، برنامه عمل برای تبدیل منطقه مدیترانه به منطقه صلح و امنیت، همکاری دوستانه و ترقی اجتماعی بود. یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی ساف در این کنفرانس سیاست خودمیانمای آمریکا را محکوم کرده و گفت تجاوز اسرائیل بسبب لبنان نشان داد آمریکا متجاوزان را در تعالیات

توسعه طلبانه اش تشویق می‌کند.

۶۴ فقره عملیات نظامی علیه اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان

مردم لبنان مقاومت خود علیه اشغال یک چهارم خاک کشور خود توسط اسرائیل را گسترش می‌دهند. به گزارش روزنامه شوروی پرودا، تنهاد راه ژوئن ۶۴ فقره عملیات نظامی علیه اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان انجام گرفت. در طول سال ۱۹۸۳، بیش از ۵۰ رشته عملیات جنگی علیه صهیونیست‌ها انجام شد. تحت تاثیر مبارزه مردم لبنان علیه تجاوز اسرائیل، آمریکا و ناتو بود که قرارداد اسارت بار لبنان - اسرائیل لغو گردید. اکنون دولت لبنان به ریاست رشید کرامی آزاد سازی جنوب کشور از اشغال اسرائیل را یکی از وظایف عمده خود اعلام کرده و خواهان اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد درباره خروج نیروهای اشغالگر اسرائیلی از خاک لبنان شده است.

ارتش اسرائیل به عملیات تروریستی در جنوب لبنان ادامه داده و می‌کوشد از این طریق مبارزه آزادخواهانه میهن پرستان را سرکوب کند. روز یکشنبه ۸ ژوئیه (۱۷ تیر) سربازان اسرائیلی در روستاهای واقع در نزدیکی بنادر صو و صیدا مردم رادسته دسته مسورد تفتیش قرار دادند. صهیونیست‌ها همچنین در مرکز صیدا پسوی عابرین آتش گشودند و یک نفر را به سختی مجروح کردند.

از سوی دیگر عبدالحلیم خدام معاون ریاست جمهوری سوریه طی یک گرد همایی احزاب و سازمانهای سیاسی در دمشق، اظهار داشت تدارکات اسرائیل برای انجام عملیات نظامی جدید بدو ن تایید و پشتیبانی آمریکا غیرممکن است. وی افزود سوریه مصمم است در آینده نیز از حقوق مشروع اعراب دفاع کرده و با تجاوزگران مقابله نماید. خدام از اقدامات دولت لبنان جهت عادی کردن اوضاع در این کشور را اعلام حمایت نمود.

گردهمایی احزاب کمونیست امریکای لاتین

دریونیس آیرس پایتخت آرژانتین گردهمایی احزاب کمونیست آمریکای لاتین گشایش یافت. حزب کمونیست آرژانتین طی یک بیانیه مطبوعاتی اعلام کرد، مسایلی از قبیل بررسی سیاست مداخله گرانه ایالات متحده در آمریکای مرکزی، مبارزه برای حفظ صلح جهانی و علیه مشی نظامی گری آمریکا و نیز تلاشهای امپریالیسم به منظور تحت فشار قراردادن کشورهای مقروض آمریکای لاتین در دستور کار اجلاس مشا و ره احزاب برادر در این قاره قرار دارد.

۲۱ هزار نفر از اعضای باندهای مسلح، خود را به مقامات افغانستان تسلیم کردند

در افغانستان تعداد هرچه بیشتر از افراد گروههای ضد انقلابی که قبلاً تبلیغات دشمنان حکومت مردمی این کشور را

خورده بودند، اسلحه خود را به زمین گذاشته و به انقلاب می‌گروند. تاکنون بیش از ۲۱ هزار نفر مسلح خود را به مقامات افغانستان تسلیم کرده‌اند. انقلاب افغانستان به آنهایی که تا دیروز با آن مبارزه می‌کردند اما اکنون به اشتباه خود پی می‌برند، امکان می‌دهد تا به عادی به کار روزگاری خود بازگردند. تنها در ناحیه "اندرآب" اخیراً ۱۶۰۰ نفر از اعضای سابق باند های اشرار سلاح خود را به زمین گذاشته و برای همکاری با دولت اعلام آمادگی نمودند.

"عبدالحبيب" فرمانده سابق یک گروه ضد انقلابی طی گفتگویی اظهار داشت که به اتفاق اعضای گروه خود پنج سال در صف دشمنان انقلاب قرار داشت است. وی گفت: "به مایه گفتند اسلام به خطر افتاده، اسلحه بدست بگیرید و از دین اسلام دفاع کنید. اکنون من یقین حاصل کرده‌ام که حکومت مردمی بسبب احساسات مومنین احترام می‌گذارد. مثلاً مقامات وعده داده بودند مسجد اندرآب را تعمیر کنند و چنین نیز کردند. ما تصمیم گرفتیم اسلحه را زمین بگذاریم، زیرا فهمیدیم که حکومت مردمی بسود ما اقدام می‌نماید. حکومت مردمی به زارعان، زمین، آب و مسکن می‌دهد و می‌خواهد سواد به بچه‌های ما بدهد. بدین جهت من به اتفاق اعضای گروه خود به انقلاب گرویدم و حاضران از آن پاسداری کنم."

اعتراض حزب کمونیست سری لانکا به گشایش دفتر نمایندگی اسرائیل

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سری لانکا تصمیم دولت این کشور در مورد صدور اجازه برای گشایش "دفتر حفاظت منافع" اسرائیل در سفارت آمریکا در کلمبو، پایتخت سری لانکا را محکوم کرد و ضمن اشاره به اینکه در این دفتر، افراد موساد سازمان جاسوسی و "امنیت" اسرائیل بکارگمارده شده‌اند، تاکید نمود موساد یک سازمان تروریستی بین المللی صهیونیسم است که سو قصد های سیاسی و جنایت زیادی از قبیل قتل، باجگیری و آدم ربایی مرتکب می‌گردد.

علاوه بر حزب کمونیست، سایر احزاب و سازمانهای اپوزیسیون سری لانکا به برقراری روابط با اسرائیل اعتراض کردند. به دعوت احزاب "تامیل"، مردم نواحی شمالی کشور که اکثر آنها به این خلق تعلق دارند، علیه بکارگیری عوامل جاسوس اسرائیل برای سرکوب منافقین دست به اعتصاب زدند. خانم باند رانایکسه نخست وزیر سابق سری لانکا ظم ارداشت این اقدام دولت، به گسترش درگیری اعراب و اسرائیل و تعامی خشونت های مربوط به آن، در سری لانکا خواهد انجامید.

اخیراً وزیر خارجه سری لانکا طی بازدید از دانهارک گفت که "آمریکایی های خیرخواه" در برقراری روابط کلمبو - تل آویو نقش دلالی را برعهده داشته‌اند.



تشدید آزار و اختناق در ماه رمضان

ماه رمضان برای ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی، فرصت دیگری بود برای تشدید آزار و اختناق، در همه شهرهای ایران. واحدهای منکرات به جان مردم افتادند. هر روز گروه کثیری را با خطر "روزه خواری" شلاق میزدند. با همین اتهام عده بسیاری را از ادارات و کارخانجات اخراج کردند. نمونههایی از آن را ذکر می‌کنیم:

رشت

مردم این شهر امسال نیز مانند گذشته پس از افطار در خیابانها و پارکها به گردش و آمد و رفت پرداختند. واحدهای منکرات و ارگانهای سرکوب از این کار ناراضی بوده و انتظار داشتند مردم به مساجد روی آورند. به این خاضار طریق گوناگون کوشیدند. مردم را از گردش شبانه بازدارند. ابتدای دستور دادند مغازه‌های بستنی فروشی و دیگر مغازه‌ها بسته شود تا جایی برای مراجعه مردم نماند. آنها حتی از کسب بستنی فروشیهای دوره گرد هم جلوگیری کردند. اما از حضور مردم در خیابان کاسته نشد. اوایل شب و بسته به حکومت به ضرب و شتم مردم در خیابانها پرداختند. اما مردم با حضور در باغ محشم (پارک اصلی شهر) و دیگر پارکها و میادین به مقاومت در برابر این اجحاف لجام گسیخته ادامه دادند. سپاه خشمگین از مقاومت مردم، دستور داد چراغهای پارک را خاموش سازند، در برابر آن، مردم با چراغهای زنبوری به پارک می‌آمدند. سپاه که از بیرون راندن مردم عاجز شده بود، در یکی از شبها با توزیع قرآن در میان مردم کوشید آنها را به مساجد بکشاند که البته بی نتیجه بود. حضور شبانه مردم رشک در پارکها و میادین به شکلی از ابزار مخالفت مردم با حکومت تبدیل گردید و تا آخرین شب ماه رمضان پنحو گسترده ادامه یافت.

در همین شهر نیز هر روز در میدان اصلی عده‌ای را با خطر "روزه خواری" شلاق میزدند. یکبار مردم حاضر در میدان که ناظر صحنه بودند، مامورین منکرات و پاسداران محافظ را هو می‌کنند. پاسداران برای پراکنده کردن مردم اقدام به تیراندازی می‌نمایند. مردم در حالیکه متفرق می‌شدند شعارهایی در محکوم ساختن سرکوب سر دادند.

اهواز

در اولین شب ماه رمضان در اهواز

عده‌ای چاقو و دایره و ابسته به رزم، به یکسای سینه‌های شهرمی ریزند و به شدت تهاشچیان را مضروب می‌سازند. آنها تهاشای فیلم را مخالف موازین شرعی می‌دانستند. شایع شده است که دو نفر از مجروحین، درگذشته‌اند.

کرج

در شرکت پلیکا وقتی که ماموران کمیت به می‌خواستند یکی از کارگران را با خطر روزه خواری شلاق بزنند، کارگران یکپارچه مخالفت می‌کنند و بالاخره ماموران کمیت و منکرات را به عقب نشینی وامی‌دارند. کارگران در روز بعد یکسای از خبرچینان و ابسته به انجمن اسلامی را که گزارش روزه خواری را به کمیت می‌داد، به شدت تنبیه می‌کنند.

کارگران متحد، پیروزمی شوند

در اردیبهشت ماه سال جاری پنج هزار تن از کارگران آبیاری کشت و صنعت کارون، با تقاضای اضافه حقوق، دست به اعتصاب می‌زنند. پیش از آن کارمندان شرکت موفق شده بودند مسئولان را وادار به افزایش حقوق آنها نمایند. در برابر اعتصاب کارگران، مسئولان شرکت کوشیدند کارمندان را به مقابله با کارگران بکشانند و مدعی شدند که گویا کارگران مخالف افزایش حقوق کارمندان هستند. کارگران با هشیاری با این توطئه برخورد و آنرا افشا می‌کنند و ضمن بیانیه‌ای همبستگی خود را با کارمندان ابهر می‌نمایند. مقامات استان خوزستان با تهدید می‌کوشند کارگران را مغلوب نمایند. فرماندار در سخنان خود خطاب به کارگران می‌گوید: "اگر در شعارهایتان الله اکبر نمی‌بود حتماً همه‌تان را به مسلسل می‌بستیم"، مسئولین شرکت پس از دو روز مجبوره عقب نشینی شده و با ۲۰ درصد اضافه حقوق موافقت می‌کنند.

در ایران ناسیونال

در کارخانه ایران ناسیونال چندی قبل از سوی مسئولین دستور داده می‌شود تا از تهیه غذای روزانه برای کارگران خودداری شود و در عوض ۵۰ ریال بابت نهار به کارگران بپردازند. این اقدام به اعتراض شدید و اعتصاب کارگران منجر شد. در نتیجه مبلغ پرداختی به دو بیست ریال افزایش یافت. اخیراً خبر رسید که عده‌ای از کارگران معترض را با بهانه‌های مختلف اخراج نمودند.

در همین کارخانه اعتراض کارگران به قطع سهمیه پیکان همچنان ادامه دارد. اخیراً مسئولین تصمیم گرفتند در اجرای قطع سهمیه به هر کارگر ۵۰۰ ریال بپردازند. با وجود پرداخت مبلغ مزبور، از اعتراض کارگران کاسته نشده است.

صدر حمت به ربا خواری!

دولت "حامی مستضعفان" هر سال بیشتر از پیش برای پرداخت وام مورد نیاز کشاورزان

سنگ اندازی می‌کنند. اخیراً مقرر کرده است که هر متقاضی وام باید سه نفر دیگر را بعنوان ضامن معرفی نماید. وام گیرنده باید یک سفته به اندازه وام دریافتی به بانک کشاورزی و یک سفته دیگر نیز به همان مبلغ به شرکت تعاونی بدهد. یکی از ضامنین نیز باید سفته دیگری به اندازه وام به بانک بدهد. به زبان دیگر دولت سه برابر وام پرداختی، اسناد معتبر اخذ می‌کند.

زمین‌داران،

در پناه سر نیزه بر می‌گردند

وفایی یکی از زمینداران بزرگ شهرستان قم بود که زمینهای زراعتی او در روستاهای اطراف این شهر، پس از انقلاب مصادره می‌شود. این شخص اخیراً با درخواست گذشتن حکم دادستانی اقدام به پس گرفتن زمینهای مصادره شده را کرده است. در یک روستا و با مخالفت روستاییان و نیز روحانی مترقی روستا مواجه می‌شود. او به سپاه پاسداران مراجعه می‌کند، ماموران سپاه در حمایت از زمیندار به روستا آمده و شانزده تن از روستاییان را همراه با روحانی مترقی ده بازداشت می‌کنند.

کمل‌های مالی رسیده

رفقای فدایی در شهر و پرتال ۷۶ مارک
رفقای فدایی در شهر و پرتال ۵۰ //

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی و توده‌ای
در شهر و پرتال (آلمان فدرال)

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO. 15

FRIDAY. 13 JULY 84

با نشریه "اکثريت" می‌توانید
طریق آدرس‌های زیرمکاتبه کنید.

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 88156
LOS ANGELES, CA 90088
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI-110008
INDIA

هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا